

(وَمِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ) لَمَّا أُرِيدَ عَلَى الْبَيْعَةِ بَعْدَ قَتْلِ عُثْمَانَ: دَعُونِي وَ التَّمِسُوا غَيْرِي، فَإِنَّا مُسْتَقْبِلُونَ أَمْرًا لَهُ وَجُوهٌ وَالْوَانُ لَا تَقُومُ لَهُ الْقُلُوبُ وَلَا تَثْبُتُ عَلَيْهِ الْعُقُولُ، وَإِنَّ الْأَفَاقَ قَدْ أَغَامَتِ، وَالْمَحَجَّةَ قَدْ تَنَكَّرَتْ. وَاعْلَمُوا أَنِّي إِنِ اجْتَبَيْتُكُمْ رَكِبْتُ بِكُمْ مَا أَعْلَمُ، وَلَمْ أَصْنَعْ إِلَى قَوْلِ الْقَائِلِ وَ عَتَبِ الْعَاتِبِ، وَإِنِ تَرَكَتُمُونِي فَإِنَّا كَأَحَدِكُمْ، وَ لَعَلِّي أَسْمَعُكُمْ وَأَطُوعُكُمْ لِمَنْ وَلِيْتُمُوهُ أَمْرُكُمْ وَ أَنَا لَكُمْ وَزِيرًا خَيْرٌ لَكُمْ مِنِّي أَمِيرًا.

پس از کشته شدن عثمان

علل کناره گیری از خلافت

مرا بگذارید و دیگری را به دست آرید، زیرا ما به استقبال حوادث و اموری می‌رویم که رنگارنگ و فتنه‌آمیز است، و چهره‌های گوناگون دارد و دلها بر این بیعت ثابت و عقلا بر این پیمان استوار نمی‌ماند، چهره افق حقیقت را (در دوران خلافت سه خلیفه) ابرهای تیره فساد گرفته، و راه مستقیم حق ناشناخته ماند. آگاه باشید! اگر دعوت شما را بپذیرم بر اساس آنچه که می‌دانم با شما رفتار می‌کنم، و به گفتار این و آن، و سرزنش سرزنش کنندگان گوش فرا نمی‌دهم، اگر مرا رها کنید چون یکی از شماها هستم، که شاید شنواتر، و مطیع‌تر از شما نسبت به رئیس حکومت باشم، در حالی که من وزیر و مشاورتان باشم بهتر است که امیر و رهبر شما گردم.